



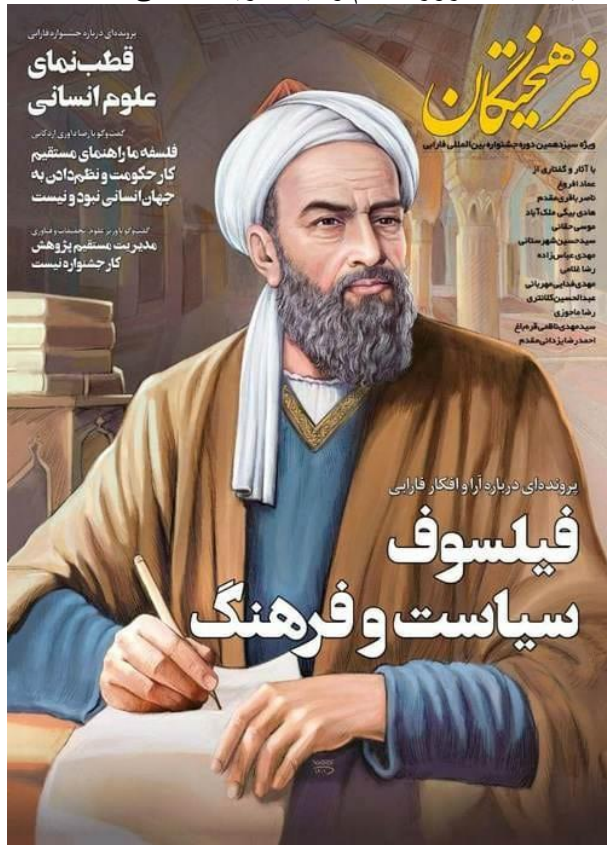
۲۰۲۳/۰۵/۱۱

احسان لمر

معرفی «ابونصر فارابی» در قاموس کبیر افغانستان

جناب اسد الله اسد در فیسبوک بتاريخ 8 می 2023 غرض نشر فرستادند که نظر به اهمیت و زیبایی آن کاپی آن را خدمت شما تقدیم میدارم.

ابونصر فارابی در ولایتی از ولایات خراسان فاریاب میمنه، به دنیا آمد که امروز به نام ولایت فاریاب مسمی شده است.



ابونصر فارابی (۸۷۲ _ ۹۵۰ م) در زمان حیات خود ملقب به فارابی گردید . از اینکه پدرش افسر بلند رتبه و سر شناسی بود شرایط مناسب تحصیلی را داشته است .. گویند شروع پژوهش های فارابی در مرو بوده که در آن زمان مرکز درس و مباحث دینی و فلسفی بوده و استادان حاذقی در آن جا حضور داشته اند . همچنان تحصیلات و استاد او در بغداد " یوحنا بن حیان " است . فارابی که رهسپار بغداد شد و فلسفه را نزد استادان مطرح آن زمان اموخت دلیسته ارسطو شد تا بدانجا که ارسطو را معلم اول و فارابی را معلم دوم یا معلم ثانی ملقب ساختند . با وجود شرایط دشوار سانسوری اما فارابی به تحقیقات خود ادامه داد در فلسفه و مطالعات در حوزه های مختلف همچون ریاضیات ، الهیات ، کیمیا ، علوم نظامی ، موسیقی و طب و .. گسترش داد . نظر به پیشنهاد استادش سفری به " حران " و " قسطنطنیه " داشت که هشت سال را در بر گرفت و علوم یونان باستان را مستقیم و بدون واسطه از مکتب درسی قسطنطنیه اموخت و به پایه اکمال رسانید . از تمام شاخه های علوم از ریاضیات گرفته تا علوم " ماورالطبیعه " را تکمیل کرد . فارابی جوان پس از سفر به یونان برای بار دوم به بغداد بازگشت و حدود دو دهه زندگی آخر خود را در آن جا پایتخت اسلامی گذرانید که بیشترین آثار خود را در همین ایام تالیف کرده است . هر چند استاد مسلم بغداد "

یونس بن متی " بود اما دیری نگذشت که اوازه شهرت فارابی در بغداد و تمام بلاد مسلمین در تمام علوم مطرح شد . بعد از بیست سال گذاره با محیط اختناق بغداد مجبور به ترک پایتخت شد و بغداد را به مقصد " دمشق " ترک کرد اما بعد از دو سال ان جارا نیز ترک گفت که به زودی " شامات " نیز دچار آشوب و درگیری های سیاسی شد و به مصر رفت و در آن جا نیز به تحقیقات و تالیفات کتاب های علمی فلسفی اش پرداخت . فارابی برای بار دوم به دمشق برگشت و در سن هشتاد سالگی در گذشت و یا به روایتی کشته شد . کتب و آثار و اندیشه های فارابی تاثیر شگرفی در تغییر فضای علمی و دینی بعد از وی داشته است و شاید دلیل لقب او به " فیلسوف المسلمین " نیز به همان ملحوظ بوده باشد زیرا توانست منطق و فلسفه را چنان با علوم دینی ترکیب کند که حتا اکنون نیز فلسفه و منطق به عنوان یکی از روعس اساسی در حوزه های دینی، تدریس و تحصیل می شود . هر چند فیلسوفان دیگری همچو " ابو یوسف الکندی " مشهور به فیلسوف العرب " که می توان گفت همطراز با فارابی بود ولی هیچکدام نتوانستند یک شیوه و مکتب تاثیر گذاری را که فارابی

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

به صفحه قاموس کبیر افغانستان خوش آمدید

تیم بنیان گذار این قاموس آرزو دارد، داشته های این گنجینه که نمایانگر اصالت افغانستان باستان است شما را تا حد لازم مدد رساند

بر فضای عقلی و علمی و فلسفی در جهان اسلام گذاشت از خویش برجا بگذارد . گفتنی است که شاید همین تلفیق و پرده اندازی اسلامی بر فلسفه یونان و اسلامیزه کردن آن تأثیرات بازدارنده بر بینش ها و ژرف اندیشی فلاسفه یونان، برنسل های آینده تا امروز داشته باشد.. هرچند در نظر باید داشته باشیم که در شرایط سخت سانسوری و استبداد عباسی اما او کتاب "موسیقی کبیر" را نوشته بود در حالی که موسیقی و رقص و تمام هنر ها ، به دربار عباسیان ممنوع بود و جزای سخت طالب نمای امروزی را در پی داشت . فارابی یکی از نوابعی است که در زمانه ی بسیار حساس تاریخی ظهور کرد و توانست تأثیر عمیق و بسزایی در تفکر اندیشمندان بعد از خود به جا بگذارد . دغدغه های اصلی فارابی پیوند و تلفیق میان دین و فلسفه بود. او معتقد بود که میان دین و فلسفه تناقضی وجود ندارد و اگر دارد مربوط به ظواهر است و می توان با تویلات فلسفی ، آن را بر طرف کرد . " معلم ثانی " و " موسس فلسفه اسلامی " و " انتقال دهنده منطق صوری یونانی به جهان اسلام " عناوینی است که در تاریخ اندیشه به ابو نصر فارابی اطلاق شده است . حالا این فیلسوفان خراسان چه گپ هایی را از یونان گرفتند و چه تأثیراتی را هم بر غرب گذاشتند.. فارابی اولین فیلسوفی است که به سبک ارسطو و افلاطون کار کرده است . زیرا اولین دانشمندی است که به ارسطو و افلاطون پرداخت . موسیقی دان ، منجم ، فیلسوف ، ریاضی دان و طبیب.. تمام علوم متداوله ی عصر کیمیا ، جغرافی و میتافزیک و .. کما این که فیلسوفان قدیم همگی دانشمند بودند در تمام عرصه های علوم .. زیرا دانش علوم از فلسفه جدا نبود و هر فیلسوف ، منجم بود ، ریاضیدان بود موسیقی دان بود کیمیا و تاریخ و جغرافیا و هندسه و .. در غرب هم همینطور بود مثلا ارسطو یک انسان چند بعدی بود . فارابی یکی از همین چهره های است که در عرصه های مختلف علمی کار کرده است . یکی از نخبه دانشمندی که هم در فلسفه و ریاضی و هم موسیقی و طب و دیگر علوم ، بالای فرهنگ یونان تأثیر گذاشته و آثارش ترجمه شده بود . و حتا در فرهنگ مسیحی غرب مکتب و پیروانی نیز پیدا کرده بود . فارابی اولین فیلسوف مسلمان است که میخواست افلاطون و ارسطو را که نه مسیحی بودند و نه به اسلام هیچ ارتباط نداشتند و مربوط ۴۰۰ و ۵۰۰ ق از میلاد بودند اسلامیزه کند. دو پرسش در یونان مطرح بود . یکی سوالی که افلاتون مطرح می کرد که اول مسل است یعنی عالم ارواح و بعدا جهان مادیت .. ارسطو اما هیولا یا شیء را مطالعه کرد و گفت ، "من استاد را دوست دارم اما حقیقت را بیشتر دوست دارم .." یعنی مسل را رد کرد .. اما فارابی می خواهد که تفاوت بین این دوناگاه را با نگاه توحیدی پر کند . افلاطون می گفت آفریده شده و ارسطو می گفت قدیم است.. پس بین گپ های این دو غول دانش یونان یک شکاف و اختلاف وجود دارد . حالا فارابی در این میان چه کرد.. مکتب فارابی یعنی همین که فارابی به این پرسش ها می خواست از لحاظ دین اسلام پاسخ پیدا کند که آیا جهان حادث است یا قدیم .. خلق شده یا از اول بوده ..؟ او این حفره ها را از لحاظ دیدگاه اسلامی پر ساخت یعنی که فلسفه افلاطون و ارسطو را اسلامیزه کرد . و به این خاطر پیروانی پیدا کرد و متکلمین مسیحی به عقاید فارابی پرداختند . ولی در عصر رنسانس ایتالیا ، عقاید فلسفی فارابی به درد فلسفه رنسانس نمی خورد چرا که فلسفه رنسانس فلسفه دینی نبود و پرده دین را از روی پیکر فلسفه بیرون انداخته بودند . بنابراین هرچند فارابی در مکتب فلسفی اش کاربرگ فلسفی انجام نداده اما کار او بالای فلسفه ، همان شرح فلسفه یونان افلاطون و ارسطو است که هرچند با دشواری سخت استبداد عباسی ، ناگزیر به شکلی از اشکال لباس اسلامیزه را بر آن پوشانید . اما منطق ارسطو را گرفت و از آن توانست برای گسترش علوم بهره ی بسیار ببرد و از آن شیوه ها استفاده کند . باری ، فارابی روش کار را از یونان اموخت و آن منطق و استدلال بود که روش فلسفه همین است . ما در فلسفه اسلامی ، متکلمین داریم که ویژه فلسفه اسلامی است و با روش یونانی کار نمی دهد . شیوه کار متکلمین شیوه فقهی است شیوه کلامی است .. اما این فیلسوفان ما حضرات فارابی و ابن سینا و البیرونی شیوه کار را از یونان گرفتند هم در علم و هم در فلسفه ، یعنی به این معنا که مشاهده کردند ، شرح دادند و نقد کردند .. مثلا فارابی حتا ارسطو و افلاطون را نقد کرده است . همین که می خواهد شکاف ارسطو و افلاطون را پر بسازد نقد فارابی تواند بود به همین خاطر کار بزرگ او یعنی ایجاد روشی که سبک و مکتب و پیروان او را بار آورد .. فارابی در سیاست و جامعه شناسی ، موسیقی و ریاضیات نیز کارهای بزرگی را انجام داده است . مشکل فارابی این بود که در بغداد زندگی می کرد انهم در دارالخلافه عباسی که مقام ارشد علما رانیز داشت .. بنابراین نمی توانست به سبک و روشی رازی و عمر خیام کار کند زیرا که خلافت بغداد در مورد دگر اندیشی بسیار سخت گیرتر و مستبدتر از حاکمیت های خراسان بود که در آن شرایط نمی توانست بدون خود سانسوری مقاصد خود را در فلسفه و بینش خود بیان کند . بنابراین برای فراگیری فلسفه ارسطو و یونان خواهی نخواهی با پوشش اسلامی توجیه گری کرد. زیرا خلفای عباسی به اندک شک ، سر را از بدن جدا می کردند . پس با نقد افلاطون و ارسطو مکتب خود را ساخت و به همین پرسش واجب الوجود خدا و حفره بین خلقت جهان

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له لیرولو مخکې په خیر و لولی

و ازلی بودن جهان پاسخ های اسلامی ارائه کرد . این اولین کار او در عرصه تلفیق یونان با اسلام بوده است . که کار بزرگی است اما کار اصلی فارابی ، که برای ما میراث گذاشت چیست ؟! این است که در زمانی که در خلافت عباسی " طالبی ما " ، موسیقی حرام است رقص حرام است هنر ها حرام است اما فارابی جرئت می کند و کتاب " موسیقی کبیر " را می نویسد و چون ریاضی می دانست موسیقی را بسیار به شکل علمی تشریح کرده است و جالب که تنبور خراسانی یک فصل آن است و وقتی توضیح کرده که چیست و چگونه کدام سازها در کدام تار ها نواخته می شود و چگونه میلودی دارد حیرت انگیز است .. حالا آگاهی فارابی و جسارت فارابی و عظمت فارابی و شیوه کار او را تصور کنیم که انگار در زیر تیغ تعصب طالبان برای موسیقی کتاب بنویسی . کاری که عمر خیام نیز در رساله نوروز نامه اش در مورد فواید شراب شرح داده که کدام نوع شراب را در چه وقت و با کدام غذا و به چه مقدار نوش جان کنی ... در خلافت عباسیان همه چیز ممنوع بود که تخطی از خط سرخ یک عمل کفرآمیز همان و سر از تن جدا شدن همان بود .. تمام فلاسفه بزرگ ، ابن سینا و البیرونی و .. خود را در پشت اسلام پت می کردند چنانچه کتاب های رازی را بر فرق اش کوبیدند و نابینایش ساختند . زیرا فلسفه یونانی کفر بود و آن را شر می دانستند و ارسطو و افلاطون که کافرهم بودند بنابراین سبب شد تا کل گپ های ارسطو به نسل های آینده در باره واقعیت اشیاء و پدیده ها نسبتاً پوشیده انتقال داده شود زیرا وقتی پای فلسفه در میان می آمد از ترس خلافت ، بالاجبار لنگی یا دستار اسلامی را بر سر ارسطو می گذاشتند . اما جایگاه فارابی .. فارابی در تمام علوم دست بالا داشت و آثار زیادی نوشت و هشتاد سال عمر پربار کرد .. در بارها هم به او ارادت و دوستی داشتند و از آثارش به اغماض می گذشتند زیرا فلسفه را اسلامیزه کرده بود . این آثار فارابی تأثیر فراوان در غرب بر حوزه های موسیقی و ریاضیات و اقتصاد و جامعه شناسی و .. داشت .. حالا برای ما چه داده و از او چه یاد بگیریم . تلاش و شیوه کار فارابی را باید فرا بگیریم کما این که داشته های آن زمان دیگر در پهنای رشد علوم امروزی کار آمدی نمی تواند داشته باشد و برای همان زمان دوازده قرن پیش خراسان ، روشنگری و توسعه دانش را فراهم می ساخت . اما امروز ما باید شیوه های کار آن ها را در راستای فن مبارزه و فداکاری و فراگیری دانش و تجربه و پرسشگری بیاموزیم . از این گپ ها که بگذریم به دوغول دانشی دیگر خراسان می رسمیم که ابن سینا و فارابی و هردو که با هم هم دوره بودند در اواخر قرن ده و اوایل قرن یازده می رسمیم .. عصر غزنویان که یک عصر بسیار بزرگ فلسفه و ادبیات و ریاضی و نجوم و همه علوم ، یک دوره بسیار کلان دانش و ادبیات و فلسفه بود .. یکی از عصر های که جرج سارتن نام می برد عصر البیرونی است که فصلی از کتابش را به نام عصر البیرونی مسمی کرده است . مثلاً عصر ابن سینا نگفته بلکه گفته عصر البیرونی . پس معلوم است که البیرونی نیز یک فیلسوف بزرگ عصر بوده است . ابن سینا نیز که یک فیلسوف بزرگ بود و گفت که " مینافزیک " ارسطو را چهل بار خواند و نفهمید تا روزی از بازار شرح ارسطو فارابی را خواند و فهمید و شکرانه بسیار به جا آورد . یعنی فارابی آنقدر به فلسفه ارسطو وارد و مسلط بوده که ابن سینا در یک مرتبه نخست آن را فهمیده و هضم کرده بود ..

هر چند دامنه موضوعاتی که فارابی در مورد آن ها پرداخته است بسیار زیاد است ولی کتب و رسالات او از حجم زیادی بر خوردار نیستند و بیشترین آثار او از بین رفته است . در واقع پیش از قرن ۱۹ ، تلاشی برای جمع آوری تألیفات فارابی صورت نگرفته و بیشتر آنها که به لاتین و عبری ترجمه شده بود هم اکنون در کتابخانه های خطی اروپا نگهداری می شود . محور اصلی تألیفات فارابی در حوزه منطق و فلسفه و شرح بر آثار فلسفی افلاطون و ارسطو است که از جمله کتب مشهور او می توان از " آراء اهل المدینه الفاضله " و رساله " فی العقل " و کتاب " تحصیل السعاده " اشاره کرد . در ریاضیات و موسیقی و علم النفس کتب های معتبری نوشت که تا کنون به عنوان کتاب مرجع در شاخه های خود شناخته می شود در کتاب " احصاء العلوم " یعنی جمع آوری تمام علوم را شرح داده است . در بخش کتاب " ارغنون " و یا منطق ارسطو بخش " کلیات خمس " را نوشت تا اشکالات وارد شده بر منطق ارسطویی را پاسخ داده و به طور درست و با زبان ساده و دور از پیچیده گی برای دانشمندان بعدی انتقال دهد و نو آوری های بی بدیل در علم منطق از خود بر جای گذاشت . فارابی در باب نفس از ، نفس نباتی و نفس حیوانیه و نفس ناطقه سخن گفته است . و همچنان عقل نظری و عقل عملی را شرح داده است و .. آثار بسیار دیگر که تا همین جا بیشتر بر این درجه یا کوزه یی ، از بحر ننگد .. کما اینکه پرسش ما و شما همچنان باقی است که چرا جامعه یی که پیش از هزار سال ، فیلسوف می زاید اما امروز طالب و بی سواد و خرافات پرست می زاید !! تا کدام ابر دانشی دیگر درو دها و پردود ..

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له لیرولو مخکې په خیر و لولی